

تحول تازه در سیاست آمریکا

امیر فیض- حقوقدان

اجازه فرمائید که این تحریر در دو قسمت جریان یابد، جریان نخست، تحول و دگرگونی تازه در استراتژی سیاسی آمریکا و جریان دوم تحول در استراتژی آمریکا در کمک به مخالفان رژیم ها.

نخست، تحول در سیاست آمریکا

مقدمه ای برای نزدیکی به موضوع

هر رویدادی اثربخش است. رویداد ها چه اجتماعی باشد و چه بصورت سوانح طبیعی، دستاوردهایی رابعث خواهد شد که پیش بینی و یا انتظار وقوع آن ممکن نیست، وقتی یک سونامی و یا زلزله ای پایان می یابد تحولاتی در نتیجه آن سوانح بوجود میاید که در کیفیت و طبیعت منطقه تغییراتی بوجود میآورد.

در جوامع ملتها، حضور شخصیت های سیاسی مقتدرو پیشرو و سازنده و یاوران کننده، کودتا و یا جنگها سبب تحولاتی میگردد که نظام سیاسی کشور و یا جهان را دستخوش دگرگونی های عظیمی میسازد.

جنگ بین الملل اول سبب تجزیه برخی کشورها و ایجاد کشورهای مستقل جدیدی گردید، جنگ بین الملل دوم همچنین تحولات بزرگی از جمله حساسیت بشریت نسبت به مداخله کشورها در امور کشور و جلوگیری از جنگ رادری داشت.

فروپاشی شوروی سبب تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد جمهوری های مستقل تازه ای شد که بسرعت در مسیر شناسائی سازمان ملل و در قلمرو نفوذ و اقتدار سیاسی و نظامی آمریکا قرار گرفتند.

حمله نظامی آمریکا به یوگسلاوی همان دستاوردی را برای آمریکا داشت که در جریان تجزیه شوروی آمریکا بدان رسید.

حمله آمریکا به عراق با حمله نظامی به کشور یوگسلاوی وجه تشابهی که داشت نبود قطعنامه شورای امنیت دائریه اجرای ماده ۴۲ منشور سازمان ملل متحد بود که از نظر حقوق بین الملل آمریکا را بطور قطع بیک کشور متجاوز و اولین کشور عضو سازمان ملل به نادیده گرفتن منشور سازمان تبدیل میکرد درست است که کشورهای جهان در مقابل این اتهام سنگین آمریکا نتوانستند واکنشی نشان بدهند ولی اثرات تجاوز یکجانبه به کشور عراق و یوگسلاوی و نادیده گرفتن منشور سازمان بهای سنگینی داشت و آمریکا نمیتوانست آنچه که در مورد یوگسلاوی و عراق عمل کرد یعنی بدون قطعنامه شورای امنیت به اقدامات جنگی برای تامین اهداف سیاسی و نظامی خود در کشورهای دیگر عضو سازمان ملل دست بزند خاصه که پیشگامی آمریکا در زیر پا گذاشتن منشور سازمان ملل یک رویه اجرایی در حقوق بین الملل میگردید که راه را برای تاسی کشورهای دیگر از جمله روسیه و چین باز میکرد.

برای حل این مشکل سیاست آمریکا در رابطه با شورای امنیت و سازمان ملل متحد بر این پایه قرار گرفت که حرکت سیاسی آن کشور از بالای شورای امنیت یعنی آنچه که در عراق و یوگسلاوی انجام شد متوقف گردد و بجای آن روال تفسیر قطعنامه شورای امنیت بکار گرفته شود و اولین نمونه این استراتژی تازه آمریکا در مورد لیبی بکار گرفته و موفقیت آمیز هم بود.

تفسیر قطعنامه شورای امنیت علیه لیبی

آمریکا و کشورهای اقمار او از شورای امنیت خواستار صدور قطعنامه ای شدند که حکومت لیبی علیه مخالفان خود از نیروی هوایی استفاده نکند و بدین طریق جان مردم غیرنظامی و ساختارهای اقتصادی لیبی محفوظ بماند این درخواست نمیتوانست باوتوی شوروی و چین روبرو شود زیرا یک درخواست انسان دوستانه و غیرمعمول هم نبود و دولتها حق ندارند علیه مخالفان و تظاهرات آنها از هواپیماهای جنگی استفاده کنند باهمین سیمای ظاهری قطعنامه شورای امنیت علیه لیبی صادر شد و روسیه و چین از حق وتو استفاده نکردند ولی در تفسیر قطعنامه، آمریکا و کشورهای ذینفع درحمله به لیبی به آنجا رسیدند که قطعنامه اجازه هراقدامی علیه لیبی و حتی کشتن قذافی را میدهد و به عبارت همین تفسیر ۸۰۰۰ عملیات نظامی هوایی علیه لیبی انجام دادند وزیر خارجه روسیه علنا دوبار گفت «ما هر قدر سعی کردیم که به کشورهای عضو شورای امنیت و ناتو توضیح دهیم که قطعنامه شورا شامل عملیات نظامی و بمباران لیبی و حضور مستقیم کشورها درحمله به لیبی نمیشود موفق نشدیم» بنابراین تفسیر زوری، قطعنامه از طرف کشورهای عضو ناتو که درحقیقت آمریکا بود به همان دستاوردی رسیدند که آنها خواستار آن بودند.

آقای کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا و وزیر دفاع ایشان گفتند «مسئله عملیات نظامی در یوگسلاوی ارتباطی به آمریکا ندارد تصمیم ناتو است که آمریکا هم عضوی از اعضای ناتوست» ولی واقعیت خلاف آن بود چنانکه دستگاه خبری کانادا در برنامه خبری دوم اکتبر ۱۹۹۹ گفت «۹۸ درصد عملیات نظامی در یوگسلاوی بوسیله آمریکا و دودرصد بوسیله جمع کشورهای عضو ناتو صورت میگیرد» و در نهایت اعتراض متوجه ۲۹ کشور عضو ناتو شد که عموم کشورهای مقتدر نظامی و سیاسی و اقتصادی جهان عضویت آنرا دارند یعنی اعتراض به هیچ جانی رسید برای اینکه قبول کنیم که دادگاه های بین المللی در مقابل یک تازی کشورهای بزرگ خاصه آمریکا تاچه اندازه بی وجود و تابع کشورهای متجاوز هستند به این حاشیه رجوع میکنیم.

حاشیه - باحمله نظامی ناتو به یوگسلاوی میلاسویچ رئیس جمهوری آن کشور بوسیله برجسته ترین حقوقدانان اروپایی از ۱۰ کشور اروپایی به خاطر نقض حاکمیت و استقلال یوگسلاوی به دادگاه لاهه شکایت کرد، دادگاه بعد از آنکه آنقدر به موضوع صلاحیت دادگاه لاهه باصطلاح کش داد تا یوگسلاوی از پادآمد آنوقت حکم داد که اصلا دادگاه لاهه صلاحیت رسیدگی به شکایت یوگسلاوی را ندارد و این زمان درست تاریخی بود که ملاسویچ دستگیر شده بود (پایان حاشیه)

پیش بینی اینکه کم کم و در طول زمان ناتو و کشورهای عضو برای اقدامات نظامی علیه کشورها نیازی به قطعنامه شورای امنیت نداشته باشد چندان دور از واقعیت نیست. در سال ۱۹۹۹ آقای کلینتون گفت: «رهرکجای جهان که مردم مورد ظلم و جور قرار گیرند، آمریکا و ناتو وظیفه دخالت دارند» به موازات قدرتمندی سیاسی و نظامی اقتصادی آمریکا تحول استراتژی سیاسی آمریکا به بی نیازی شورای امنیت حتمی بنظر میرسد و ادعای رهبری جهان بوسیله آمریکا به این قانون شکنی آشکار نیاز مبرم دارد.

شمشیر از روبستن

اصطلاح شمشیر از روبستن زمانی بکار میرود که یکطرف بعلت داشتن موقعیت برتر و عدم واهمه از اقدامی که میکند به پنهان کاری نیازی نمی بیند استراتژی جدید آمریکا در موقعیتی قرار گرفته که دیگر نیازی به پرده پوشی و رعایت برخی نزاکتها و اصول جاری بین المللی رانمی بیند ابتدا یک مثالی آورده شود بجاست.

شخص متجاوز باجگیری در محله ای همینکه پلیس محله وقاضی هوای او را داشت، دیگر لازم نمیداند که باجگیری و تجاوزش را مخفیانه مرتکب شود و شمشیرش را از روبستن در حالیکه دبیرکل سازمان ملل، رئیس آژانس انرژی اتمی و دادستان دادگاه بین المللی و درحقیقت تمامی ارکان های بین المللی بنحوی وابسته و یا منتهی به آمریکا هستند، دیگر مخفی کردن شمشیر تجاوز به کشورها چه لزومی دارد!

به دوسه موردی که یادم هست رجوع میکنیم که برای قبول موضوع مورد بحث شهود کاملی است.

سفیر آمریکا در تظاهرات ضد دولتی سوریه حضور مییابد سوریه اعتراض میکند سفیر آمریکا از سوریه میگریزد و وقتی دولت سوریه بتوافقی با اتحاد عرب دست مییابد که یکی از شرائط آن زمین گذاردن سلاحهای غیرمجاز است سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا رسماً به مخالفان دولت سوریه اعلام میکند که «اسلحه رازمین نگذارید»

محال است که در طول تاریخ مدون کشورهای جهان بتوان موردی راتاین حد آشکارا و بی پروا در رابطه بامداخله در امور داخلی کشوری بوسیله کشوردیگری پیدا کرد حتی در زمان استالین هم چنین سابقه ای، یعنی شمشیر را از روبستن علیه یک کشوردیگر دیده نمیشود، اینکه سخنگوی وزارت امور خارجه کشوری مانند آمریکا چنین دستوری به مخالفان یک دولت عضو سازمان ملل میدهد خیلی معنا دارد و نشانی است از بی اعتنائی کامل و جامع آمریکا به روابط بین المللی و میثاقها و منشورها.

سازمان یونسکو وابسته به سازمان ملل است و بمنظور آموزشهای علمی و فرهنگی ملتها تشکیل شده است و هدف آن کمک به صلح و امنیت جهانی است و در سال ۱۹۴۵ تشکیل و ۱۹۱ کشور از جمله آمریکا عضویت آنرا دارند.

سازمان یونسکو بمناسبت اینکه در مسئله درخواست فلسطین برای تشکیل کشور مستقل نظر موافق داد و چنین نظری منافات بانظر آمریکا بود آمریکا واکنش نشان داد و کمک سالیانه به یونسکو راقطع کرد و دبیرکل سازمان یونسکو هم اعلام کرد که یونسکو تا پایان سال جاری فعالیت خود را متوقف خواهد کرد.

معنای دموکراسی و آزادی عقیده ر ادر همین برخورد آمریکا بایونسکو میتوان دقیقاً ملاحظه کرد که سازمانیکه حدود ۶۰ سال است بتصمیم ۱۹۱ کشور زیر نظر سازمان ملل بوجود آمده فقط به این علت که رعایت خواست متجاوزانه آمریکا رانکرده منحل میشود محال و ممتنع است که هیچ کشوری این چنین شمشیر از رو برای حمایت از خواست اسرائیل ببندد که منجر به تعطیل فعالیت های علمی و فرهنگی سازمان ملل در کشورهای جهان گردد.

رئیس جمهوری آمریکا از مقر خود دستور میدهد که فلان رهبرکشور جهان فوراً کشورش را ترک کند و سوابق هم نشان میدهد که مقاومت در مقابل دستور رئیس جمهوری آمریکا عاقبت مرگ توام باخفت ورنج رادارد نگاه کنیم به اخبار، کوچکترین اعتراضی به این رویه اتخاذی رئیس جمهوری آمریکا ظنینی در جهان مطبوعات و رسانه ای وجود ندارد و حملات ناتو و پیشتر آمریکا در زمان کلینتون نشان میدهد که ضمانت اجرای دستور رئیس جمهور آمریکا این است که رئیس برکنار شده کشور اگر تاخیر کند و یا مقاومت نماید هوایما ها و موشک های ناتو او را خواهند زد یعنی تحول این سیاست بدانجا خواهد رسید که در هر زمان که آمریکا لازم بداند رئیس رهبرکشورهای جهان رادر همان کشور خودشان نابود خواهد کرد.

روسیه و استراتژی تازه آمریکا

سیاست روسیه در مقابل استراتژی آمریکا تحمل و سازش است روابط روسیه بایوگسلاوی بمراتب قوی تر و باریشه تراز روابط آن کشور با سوریه بود یوگسلاوی تنها کشوری بود که در جنگ بین الملل دوم توانست کمکهای بزرگی به مقاومت روسها در مقابل آلمان هابکند مارشال تیتو رهبر واقعی یوگسلاوی در عین حفظ استقلال کشورش از سیاست اقتصادی و اجتماعی شوروی تبعیت میکرد و پس از فروپاشی شوروی همچنان موقعیت خود را حفظ کرد در زمان حمله آمریکا به یوگسلاوی شوروی دریوگسلاوی هم نیروی نظامی داشت ولی دیدیم که شوروی کوچکترین کمکی به نجات یوگسلاوی نکرد و یوگسلاوی پایمال و تجزیه شد و فقط در پیوستن به ناتو روسیه خودداری کرد.

در مورد ایجاد پایگاه های موشکی در لهستان و چکسلواکی با همه خطری که برای شوروی مشهود است به چند اعتراض بدون پیگیری محدود شد و تنها واکنش شوروی این بود که شوروی هم در لنینگراد پایگاه موشکی ایجاد خواهد کرد خیلی فرق است بین ایجاد پایگاه موشکی در یکی از کشورهای هم مرز با شوروی با ایجاد پایگاه موشکی روسیه در خاک خودش.

شوروی به هیچوجه موقعیت خود را در حمایت از آئین های سازمان ملل و یا حمایت از کشورهای مورد تجاوز آمریکا به خطر نخواهد انداخت و آمریکا دقیقا به این امرواقف است روسیه بغیر از وتو در شورای امنیت کاری از دستش برنماید و استراتژی جدید سیاست آمریکا هم پل زدن بر شورای امنیت < عراق > و یا توسل به تفسیرهای زورکی برای رفع مزاحمت حق وتوی شوروی است.

آمریکا ضعیف و درمانده

جمهوری اسلامی عقیده راسخ دارد که آمریکا ضعیف و درمانده است. قدرت و ضعف را باید با قدرت و ضعف متقابل سنجید البته سنجیدن قدرت نظامی آمریکا با جمهوری اسلامی در این معادله جای درستی ندارد زیرا جمهوری اسلامی هوایمای صاعقه رادست کرده که رقیب اف ۱۶ و اف ۱۸ است! با این تفاوت که خلبانهای هوایمهای صاعقه ایرانی، امام زمان هستند که ساقط میکنند و هیچگاه سقوط نمیکند.